

شماره پرسش: ۱۳۲۲۶

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۴/۶/۱۵ ۰۴:۰۴:۲۰

متن پرسش

با عرض سلام: نسبت به استاد گرانقدر وقتی نظرات دکتر داوری را می خواندم برخی نظرات ایشان برایم تردیدهایی ایجاد کرد و برخی دیگر از نظرات ایشان را درک می کنم. هدفم از این چند سطر تایید یا رد صد در صد نیست چون که نمی خواهم با نگاه تقابلی و یک بعدی به این چند مقاله اخیر ایشان نگاه کنم «به نظرم در دوره ای زندگی می کنیم که مسائل و حوادث دارای ابعاد گوناگون می باشد و مسائل را باید با عقل دیگری فهمید» اما حضرت استاد می خواهم جمله ای بنویسم ولی قبل از آن این را بگویم که از تفکر ایدئولوژی زده فراری ام یا بهتر بگویم در حال تمرین دور شدن از نگاه ایدئولوژی زده هستیم. اما حضرت استاد هر چه می خوانم هر چه می اندیشم نمی توانم پشت پا بزنم به حضرت روح الله. نمی توانم خامنه ای عزیز را نبینم. بالاخره نظرات این دو بسیار صریح و شفاف موجود است. البته قصد این که برخی جملات دکتر داوری را بیاورم و در تقابل با نگاه امام و رهبری هم قرار بدهم ندارم، چون هدف تقابل نیست مگر نه می شود برخی جملات امام را در مقابل برخی دیگر از جملات خودشان قرار داد و به تقابل و دعوا پرداخت و از آنجایی که باید محکمت و متشابهات کلام حکیم به درستی فهم شود تا مقصود به درستی فهمیده شود. از شما درخواست دارم قدری این موضوع را توضیح دهید شاید ابهامات این مساله کمتر شود. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده سخت معتقدم عقل این دوران، عقلی است که حضرت روح الله امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» و حضرت امام خامنه ای «حفظه الله» در این تاریخ، متذکر آن هستند. و متفکرانی همچون دکتر داوری تلاش دارند که رنج بی فکری این تاریخ را متذکر شوند و اگر ما با دقت حرف ایشان را دنبال کنیم، متوجه می شویم چگونه داروی درد امروز ما، درست فهمیدن جایگاه عقلی است که با سلوک ذیل شخصیت حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» به صحنه آمده است. نمی دانم کدام جمله ی دکتر داوری را مقابل سخنان آن اولیاء الهی تشخیص داده اید تا در مورد آن بحث شود؟ موفق باشید